

# توافق روحی یا توقع بیجا!

ولیعفوا ولیصفحو الاتحیون ان  
یغفر الله لکم والله غفور رحیم

«قرآن مجید»

باید در گذرند و عفو کنند

آیا دوست نمیدارید که خداوند شما را

بیمارزد و پروردگار آمرزنده و مهربان است

✦ فداکاری و گذشت

✦ آمیزش‌های امتحانی

✦ توقع و انتظاری بی جا

✦ حل‌یک مشکل اجتماعی

## فداکاری و گذشت

زندگی در اجتماع بفاکاری و گذشت نیازمند است ، خودخواهی و خود پرستی بازندگی اجتماعی سازگار نیست ، کسانی که دارای روح گذشت نیستند مجبورند که از میان اجتماع بیرون رفته در گوشه و کناری گنج عزت اختیار نمایند ، و اگر وضع و حالشان با گوشه گیری سازشی نداشته و نتوانند زندگی فردی را اختیار کنند، ناچار باید این گونه اشخاص خود را آماده سازند که عمری را در ناراحتی های روحی ، و تشنجات عصبی بسر آورند . چه زندگی اجتماعی ایجاب می کند که کسر و انکساری در خراسته ها و منافع واقع شود .

زندگی زناشویی ، بخش کوچکی از زندگی اجتماعی است بنا بر آنچه گفته شد میبایستی در این اجتماع کوچک حس فداکاری و اغماض وجود داشته باشد تا آنچه از این پیوند ازدواج در نظر بوده حاصل آید، در غیر این صورت لازم می آید که زندگی در چنین خانه و اجتماعی پر چه کوچک و حقیر باشد، ملال آور و خسته کننده باشد. چه ازدواج اتحاد و پیوند جسمی نیست بلکه زناشویی عبارت از توافق و یگانگی روحی است.

بنابراین کسانی که از زندگی مجرد خارج شده بخواهند بزندگانگی اجتماعی وارد

شده همسری برای خودانتخاب کنند ، اولین درس و بزرگترین سفارشی که میبایستی پدران و مادران و دانشمندان اخلاق بایشان بدهند همین نکته است که دختر و پسر باید با سرمایه گذشت و اغماض وارد میدان گردند. تناسب و تقارن روحی میان دو فرد منشاء دوستی و رفاقت میگردد.

ولی توافق و تطابق روحی از همه جهت میان دو نفر اگر محال نباشد لا اقل بسیار دشوار خواهد بود ، چنانچه موافقت و مطابقت از نظر جنبه های شکلی و سوری میان دو نفر مشکل و ممتنع است ، همین طور توافق و اتحاد در قیافه های باطنی سخت تر و دشوارتر می باشد .

پسر و دختری که در مقام اختیار همسری برای خود می باشند از اول باید پی باین حقیقت برده بدانند که پیدا کردن همسری که در تمام حیثیات اخلاقی با او مطابقت داشته باشد فکری خام و ناپخته می باشد.

### آمیزش های امتحانی

در عصر حاضر برای انتخاب همسر رسم چنین است که دختر و پسر پیش از آنکه بمقد یکدیگر در آیند باب مراد و معاشرت میان اینان بعنوان بدست آوردن روحیات و اخلاق مفتوح میگردد .

اگرچه بعضی حد و حدودی برای این ملاقات ها و مرادها قائل می باشند ولی بسیاری از این آمیزش های امتحانی از هر قید و بندی آزاد بوده و در واقع این عنوان وسیله ای بیش نبوده پس از رسیدن به هدف و مقصود؛ طرفین از یکدیگر جدا شده و از چیزی که سخن بمیان نمی آید همان عقد و عروسی است.

شاید برخی گمان کنند که این آمیزش های امتحانی برای بدست آوردن همسر ایده آل و موافق بهترین راه بوده و مشکل تعیین همسر موافق باین وسیله حل و عملی می باشد در جواب باید گفت ؛ مفاسد و زیان های اخلاقی که باین وسیله دامنگیر دختر و پسر میشود فراوان بوده و پرونده هایی که باین عنوان در دادگاه های عمومی و مراجع قضائی وجود دارد همه حاکی است که این نوع مقدمه چینی ها نوعاً واهی است که از طرف اشخاص شیاد برای ربودن عفت و عصمت و لکه دار نمودن حیثیت اخلاقی و ناموسی دختران گسترده میشود این نحوه معاشرت ها علاوه بر این مفاسد از جهاتی که ذکر میشود اصلاً نمیتواند وسیله و طریقی برای شناختن همسر ایده آل باشد.

۱- روحیات انسان دارای قشرهای متعددی است در اثر معاشرت و مراوده شاید بتوان به برخی از اخلاقیات سطحی پی برده اطلاع حاصل کرد ولی روحیاتی که در اعماق و زوایای طبیعتها متمرکزند باین آسانی ها و ملاقاتها و رفت و آمدها نمیتوان بآنها پی برد بلکه نیازمند بهرورزمان است.

۲- روحیات آدمی در هر حال و زمانی نمیتواند ظاهر و هویدا گردد تحول و تبدل حوادث زندگی و صحنه‌های گوناگون حیات است که استعدادها و شخصیتهای روحی هر کسی را نمایان میسازد.

مثلا بدست آوردن صفاتی از قبیل شکیبایی و قناعت در حال آسایش و خوشی میسر و ممکن نیست بلکه در آن هنگام که فشارهای جانکاه روزگار بسروقت ما آمده و سختی و مشقت مانند ظلمت شب بر وجود ما احاطه می‌یابد، در چنین زمانی میتواند بصفتای از قبیل شکیبایی و بردباری و متانت و امثال آن پی برد.

بنابراین روشن کنند؟ روحیات در واقع صحنه‌های گوناگون زندگی است که شخصیتهای روحی ما را یکی پس از دیگری نمایان میسازد.

**آیا ملاقات‌های دختر و پسر در محیط سینه- و کافه و یا مجلس رقص و کاباره‌ها میتواند معیار و میزانی برای شناختن روحیات و صفات طرفین شده آن دورا بیکدیگر معرفی نماید؟!**

۳- هر کسی صلاحیت قضاوت را ندارد آنانکه شایستگی این حقیقت را حائز می‌باشند تازه در هر زمانی و هر موقعیتی واجد شرائط شناسائی حق و باطل را ندارند قانونگذار اسلام برای قضاوت شرائط و دستورات فراوانی ذکر نموده است که عجالتاً جای ذکر آنها نیست ولی برای بدست آوردن موقعیت حساس قضاوت همین بس که اسلام حالات روحی و مزاجی قاضی را نادیده نگرفته فرموده اگر عارضه از قبیل کرسنگی پر خوری و یا عصبانیت و امثال این عوارض برای او روی داده باشد شایسته است از قضاوت و فصل حق و باطل خودداری نماید .

روی این اصل دختر و پسر که در بحرانی ترین دوران جوانی و زمانی که شدیدترین عکس العمل‌های غرائز و عواطف جوانی ظهور و بروز مینماید واقع شده‌اند. آیا صلاحیت آنها دارند که در موضوع انتخاب همسر که خود یکی از مراحل خطرناک

و حساس زندگی می باشد اقدام کرده به مجرد این ملاقات ها و مراوده ها قناعت کرده با اختیار تام و تمامی درباره همسراظهار نظر نماید؟؟



### توقع و انتظار بیجا

البته نتیجه ای که اذکر آن مقدمات در نظر است آن نیست که هر دختر و پسر بدون آنکه در سعادت زندگی خود دخالت کند باید چشم و گوش بسته همسری را بوی تحمیل کند و اِوِحق چون و چرا نداشته باشد ، بلکه مقصود آنست که این توقع و انتظار بیجائی که هر کس قادر است همسر زندگی خود را آنچنان که خود خواهان آن است برای خود انتخاب کرده و در نتیجه توافق روحی و اخلاقی میان خود و همسر را تحصیل بنماید ، صحیح و درست نیست .

و گرنه ذبیذده هر عاقلی است که در هر کاری که انجام میدهد زیر و روی آن کار را بخوبی بررسی و تحقیق نماید تا چه رسد با مر از دواج که حَقاً موضوع پراهمیتی بوده و در سعادت و شقاوت آدمی اثرات بارزی دارد.

اسلام هم مطابق همین اصل در باب تعیین همسر دستورات فراوانی داده و مَلَک از دواج خوب و همسر را بیان کرده ، ما در مقالات گذشته به برخی از آنها اشاره نمودیم . علاوه بر این قانون گزار اسلام در موضوع همسر از نظر حساسیت و اهمیت آن اجازه داده است که پیش از عقد مردم میتوانند از نزدیک به همسر خود نگاه کرده جهات شکل و قیافه او را در نظر گرفته و بوسیله زانی که اهل اطلاع هستند تا آنجا که مقدور و میسر باشد از خصوصیات روحی او اطلاع حاصل کرده باشد.

ولی با این همه نمیتوان ادعا کرد که در یکصد ازدواجی که اتفاق میافتد نیمی از آنها طوری باشد که موافقت روحی و مطابقت اخلاقی بطور کلی میان زن و مرد وجود داشته باشد ، و شاید هم قدری دقت در خصوصیات روحی زن و مرد این نکته را روشن می سازد که اصولاً توافق کلی میان زن و مرد بسیار دشوار است ، چه یک دنیا عواطف و احساسات لطیفه که در افکار و آراء هر زن وجود دارد خواهی نخواهی خط مشی فکری و عملی او را از مرد ممتاز و مشخص خواهد کرد.

### حل يك مشکل اجتماعي

از همین جا میتوان بیک مشکل اجتماعی پی برد و آن فراوانی طلاق و اختلافات

و پاشیدگی اوضاع خانوادگی است گرچه خود این پدیده اجتماعی معلول عوامل متعددی است ولی نمی‌توان انکار کرد که يك عامل مهم آن همین توقعات بیجا و انتظارات بیموردی است که زن و مرد از یکدیگر دارند.

مثلاً پسر و دختر پس از عروسی کم‌کم حس می‌کنند که فاصله و شکافی میان ایشان راه پیدا میکند و بسیار روشن است که پدید آمدن این جدائی روحی در اثر آنستکه پسر و دختر کم‌کم به معایب و نواقصی که در طرف مقابل وجود دارد پی‌می‌برند و حال آنکه در مرحله ابتدائی بخیال خود گمان می‌کردند که هیچ نقطه ضعفی از نظر اختلاف روحی میان‌شان وجود ندارد، و پس از گذشت آن مراحل ابتدائی از بر خورد بی‌یوب و نواقصی گمان می‌کنند که در این مورد اشتباه کرده‌اند و اگر دفعه دیگری دست باز دواج بزنند می‌دانند که چگونه شخصی را بهمسری انتخاب کنند که صد درصد مطابق و موافق با روحیات او باشد. همین محاسبه و معادله غلط سبب میشود بجای اینکه با روح گذشت و اغماض این فاصله و شکاف را از میان برده با فداکاری شالوده سعادت و خوشبختی خانوادگی خود را پی‌ریزی کنند، بنای اخلاف و دعوی را گذارده در سر هر چیز کوچکی يك نزاع و مشاجره دامنه‌داری میان‌شان روی میدهد.

با اینکه اگر با همسر تازه ایده آل خود ازدواج کند پس از چند روزی دوباره در همان وضع اولی قرار خواهد گرفت بلی این گذشت و روح اغماض است که همسر ایده‌آلی برای ما بوجود می‌آورد.

در روزنامه اطلاعات در تاریخ (۱۷) اردیبهشت ماه چنین درج شده بود:

« اختلافات زناشویی در تهران افزایش می‌یابد » سپس در مقام بیان علل تحقق این نوع اختلافات فقط اکتفاء بسذكر چند نمونه از این گونه پرونده‌ها نموده که در مراجع قضائی مورد رسیدگی است و ما هم فقط یکی از آنها اشاره مینمائیم.

۰۰۰ در بیمارستان با تزریق خون حال مجروح که به مرگش چیزی باقی نمانده بود روبه بهبود گذاشت او در بازجویی علت قصد انتحار خود را چنین شرح داد:

من اسمم حبیب‌اله است دلال معاملات اراضی هستم وقتی کارم خوب بود پول فراوانی بدست می‌آوردم با دختر تاجری ازدواج کردم تا وقتی پول داشتم زنم با من خوب بود همینکه بازار زمین از رونق افتاد و بی پول شدم زن مهربان و خوش اخلاق من بنای ناسازگاری و نافرمانی

را گذاشت ، چنان روزگارم را سیاه کرد که حکایت کردنی نیست . او در حالی که زن من بود مهریه اش را باجراه گذاشت و در نتیجه وضع مالی من بدتر شد تا آنجا که دیشب تصمیم بخودکشی گرفتم... نقل از اظهارات مردی که بقصد خودکشی در اراضی نازی آباد رگهای دست خود را با تیغ بریده بود .

اگر این حادثه آنچنان که ذکر گردید واقعیت داشته باید برای این پیوند های زناشویی که محیط اجتماعی ما پرورش دهنده آنست زار زار گریست در کدام ملت و آئینی روابط زناشویی اینچنین است؟

کدام زندگی خانوادگی است که وضع مالی آن همیشه بیک منوال خوب و کامل باشد؛ آیا می توان خانواده را پیدا کرد که در تمام دوران زندگی هرگز شکست و ناکامی متوجه ایشان نشده باشد ، آنوقت در کدام ملت و آئینی رسم آنستکه بجای فداکاری و تشریک در مصائب و گرفتاریهای زندگی چنان روزگار را بر مرد تیره و تار سازند که او را از حیات و زندگی و بهره برداری از مزایای آن سیر گردانند؟؟

در مقالات پیشین به مقداری از فداکاری زن و گذشت مالی او اشاره شد و اسلام هم چنین زنانی را که شریک زندگی تلخ و شیرین مرد بوده در همه اوقات از اینان دلداری و محافظت می نمایند به بزرگی و عظمت یاد کرده و از برخی از روایات چنین استفاده میشود که این گونه زنان یکی از اعمال و کارکنان پروردگاری باشند . در کتاب وسائل الشیعه این روایت وارد شده است:

« جاء رجل الى رسول الله (ص) فقال ان لي زوجة اذا دخلت تلقتني و اذا خرجت شيعتني و اذا ارأيتني مهموما قالت لي ما يهكم ان كنت تهتم لرزقك فقد تكفل به لك غيرك و ان كنت تهتم بامر اخر ترك فزادك الله هماً فقال رسول الله (ص) ان الله عمالا وهذه من عماله لها نصف اجر الشهيد»

مردی نزد رسول اکرم (ص) آمده گفت زنی دارم که چون بخانه درآیم با استقبال و دیدار من می شتابد و هر گاه که عزم بیرون رفتن کنم بمشایعت من شتاب کند و اگر غبار غم و اندوهی در چهره می بیند گوید این هاله غم که بر کرد صورت تو قرار دارد از چیست؟؟ اگر این تشویش از جهت قوت و روزی است ، این امر بر عهده کس دیگر می باشد و اگر این تأثر و اندوه برای سرای آخرت باشد پس شایسته است که هر لحظه فزون تر گردد .

رسول خدا (ص) فرمود : همانا خدا را بندگان برجسته و برگزیده است که این زنهم یکی از آنان می باشد برای این زن نیمی از پاداش و اجر شهادت مقرر است .